

سعید مجیدی در گفت‌وگو با رشد آموزش هنر:

آموزش هنر، نه سخت که آسان و شیرین است!

رمضانعلی ابراهیم‌زاده گرجی

اشاره

با سعید مجیدی، دبیر هنر در مدرسه فیاض‌بخش، قرار گفت‌وگویی را گذاشته‌ایم. این مدرسه در پایه متوسطه اول، در خیابان شهدای تهران، پایین‌تر از میدان خراسان قرار دارد. قبل از گفت‌وگو، ساعتی در جمع دانش‌آموزان پای تدریس کتاب هنر وی نشستیم. پس از آن، ضمن آشنایی بیشتر با آقای مجیدی، درباره روش تدریس، تجربه‌ها و خاطرات، نارسایی‌های موجود امر تدریس، و وضع کیفی کتاب آموزشی سؤال کردیم و وی پاسخ گفت. آنچه می‌خوانید حاصل پرسش‌های ما و جواب‌های اوست.

سعید مجیدی از زبان خودش

۴۱ سال دارم. مدرک کارشناسی آموزش هنر و کارشناسی طراحی فرش را از دانشگاه هنر اصفهان گرفته‌ام. به صورت غیرآکادمیک در زمینه موسیقی و موسیقی آوازی آموزش دیده‌ام. ردیف آوازی ایران را نزد استادان شاه زیدی و منصور عظیمی کیا خواندم. علایق موسیقایی‌ام به دوره دانش‌آموزی برمی‌گردد که به سرود و موسیقی علاقه داشتم. همچنین وقتی دانش‌آموز دبیرستان بودم، به کلاس سه‌تار می‌رفتم.

در مدرسه معلم خوش‌نویسی نداشتیم ولی معلم ریاضی ما در خوش‌نویسی شاگرد استاد کیخسرو خروش بود و دانش‌آموزان را راهنمایی می‌کرد. از همان زمان، به خوش‌نویسی علاقه‌مند شدم. مشکل من این بود که می‌خواستیم با آزمون و خطا پیش بروم، مرکب رنگی می‌خریدیم و با آن می‌نوشتیم. فکر می‌کردم خوب می‌نویسم. در حقیقت خودم را گول می‌زدیم؛ به‌ویژه که در شهرستان امکانات آموزشی نبود.

● چند سال سابقه آموزشی دارید؟
۲۱ سال.

● غیر از کار آموزش در مدارس، از داشته‌های علمی خود چه بهره‌ای می‌گیرید؟

بر کتاب‌های هنری نقد می‌نویسم. از جمله بر کتاب «صدا و بیان گنگ» که در زمینه فن بیان در بازیگری است و آن را «خانه کتاب» به‌عنوان اثر برگزیده معرفی کرده، نقد

نوشته‌ام. تاکنون ۲۰ عنوان مقاله - از تألیف و ترجمه - برای مجله گزارش موسیقی و کتاب ماه هنر نوشته‌ام. آخرین نقدم را درباره کتاب فرهنگ و هنر مدارس نوشتم و در اختیار فصلنامه رشد هنر قرار دادم تا چاپ شود.

● در کلاس درس آیا از تجربه‌های دیگران استفاده می‌کنید یا تجربه خاص خود را دارید؟ به‌طور کلی، در آموزش دانش‌آموزان از چه روشی استفاده می‌کنید؟

از دوره تربیت معلم علاقه‌مند بودم که کتاب‌های مربوط به هنر و آموزش هنر در مدارس را مطالعه کنم. «هنر در مدرسه» از هادی هنز/وهای اولین کتابی بود که مطالعه کردم. به‌نظر من در این زمینه تعداد کمی کتاب داریم که آن‌ها هم ضعیف‌اند. آخرین کتابی که خوانده‌ام «نظم‌های هنری در آموزش مدرسه» از دکتر مهرمحمدی است. از حاصل مطالعات و تجربه‌های شخصی‌ام برای تدریس استفاده می‌کنم؛ همان‌طور که در یک ساعتی که سر کلاس من بودید، مشاهده کردید.

● جدا از ذهنیتی که دانش‌آموزان از هنر دارند و آنچه در کتاب درسی آمده، تأثیر شما در ترغیب دانش‌آموزان به درس و میزان یادگیری آن‌ها تا چه حد است؟
نظر من این است که معمولاً معلم‌ها در ۱۵ سال اول تدریس خیلی زحمت می‌کشند و با شوق و ذوق هم کار می‌کنند و البته من هم چنین بوده‌ام. اما برخوردهای علی‌السویه را که می‌بینند، تا حدی دلسرد می‌شوند. زمانی که با انگیزه

کامل کار می‌کردم، به کمک دوستان دو بار از کارم فیلمبرداری کردم. بعد که به فیلم نگاه می‌کردم، متوجه می‌شدم برای مثال حرکات اضافی دست یا تیک‌های عصبی دارم. لذا سعی می‌کردم این عادت‌ها را رفع و کارم را اصلاح کنم. بهترین تجربه‌های من مربوط به ده سالی است که در شهرستان تدریس می‌کردم.

● کدام شهرستان؟

دورود لرستان. شیوه آموزشی من خیلی مفید بود؛ به حدی که در سال ۱۳۸۳ دانش‌آموزان مدرسه‌ای که معلمشان بودم، بالاترین آمار قبولی کنکور در رشته هنر را به خود اختصاص دادند اما متأسفانه حتی یک نفر پیدا نشد که به من بگوید «دستت درد نکند». این کار خیلی ناراحت‌کننده بود و سبب شد برای ادامه کار خود را به تهران منتقل کنم.



بچه‌های کلاس درباره هنر به زبان ساده حرف‌های خوبی زدند که برایم خیلی آموزنده بود و نکات زیادی یاد گرفتم

● تنها دلیل اینکه تصمیم گرفتید از دورود لرستان به تهران بیایید همین بود؟

دلایل دیگری هم داشت، از جمله اینکه در آنجا اتفاقی در زمینه فرهنگی و هنری نمی‌افتاد. حتی یک مجله هم نبود که مقالات را چاپ کند. برای چاپ نوشته‌ها باید وقت و هزینه صرف می‌کردی و به تهران می‌آمدی.

● این نکته به شما که به هنر علاقه‌مندید، برمی‌گردد. آیا شهرستان برای تدریس شما و دانش‌آموزان مزیتی نداشت؟

زمانی که در شهرستان معلم بودم، این امکان را داشتم که بچه‌ها را برای طراحی به خارج از مدرسه ببرم. دانش‌آموزان را به دل طبیعت می‌بردیم تا از رودخانه و باغ و بوستان و کوهستان طراحی کنند. هم خودم و هم دانش‌آموزان از این نوع فعالیت لذت می‌بردیم اما در تهران در این مورد محدودیت داریم. حالا دیگر آن کار در زمرة خاطراتم درآمده است. خاطرة دیگرم این است که یکی از دوستان -در حقیقت از شاگردانم بود- می‌خواست فیلمی درباره کلاس هنر بسازد. روزی که سر کلاس من آمد، موضوع درس ما تعریف هنر بود. بچه‌های کلاس درباره هنر به زبان ساده حرف‌های خوبی زدند که برایم خیلی آموزنده بود و نکات زیادی یاد گرفتم.

● آن‌ها دانش‌آموزان چه دوره‌ای بودند؟

دوره راهنمایی. خاطرة دیگرم همان قبولی دانش‌آموزان در کنکور رشته هنر است. اینکه بچه‌ها در شهری دورافتاده و محروم

رتبه اول را به نسبت تعداد دانش‌آموزان کسب کرده بودند که برایم بسیار خوشحال کننده بود. آنان هنوز با من ارتباط دارند و به من سر می‌زنند. برخی از همان دانش‌آموزان اکنون در دانشگاه‌های خوب کشور تدریس می‌کنند.

● در چند مدرسه تدریس می‌کنید؟ در چهار مدرسه؛ ۲۴ ساعت تدریس موظف دارم.

● مدیر مدرسه تا چه حد برای رونق و شکوفایی درس هنر با شما به‌عنوان معلم این درس همکاری می‌کند؟

می‌دانید که درس هنر در مدارس تک‌زنگ- تک‌زنگ است، به این دلیل با مدیران مختلفی سروکار دارم. در برخی از مدارس، همکاری مدیر مدرسه با معلم هنر و پیشرفت درس هنر خیلی خوب است اما مدیرانی هم هستند که درس هنر را باور ندارند. به‌طور کلی، مدیران

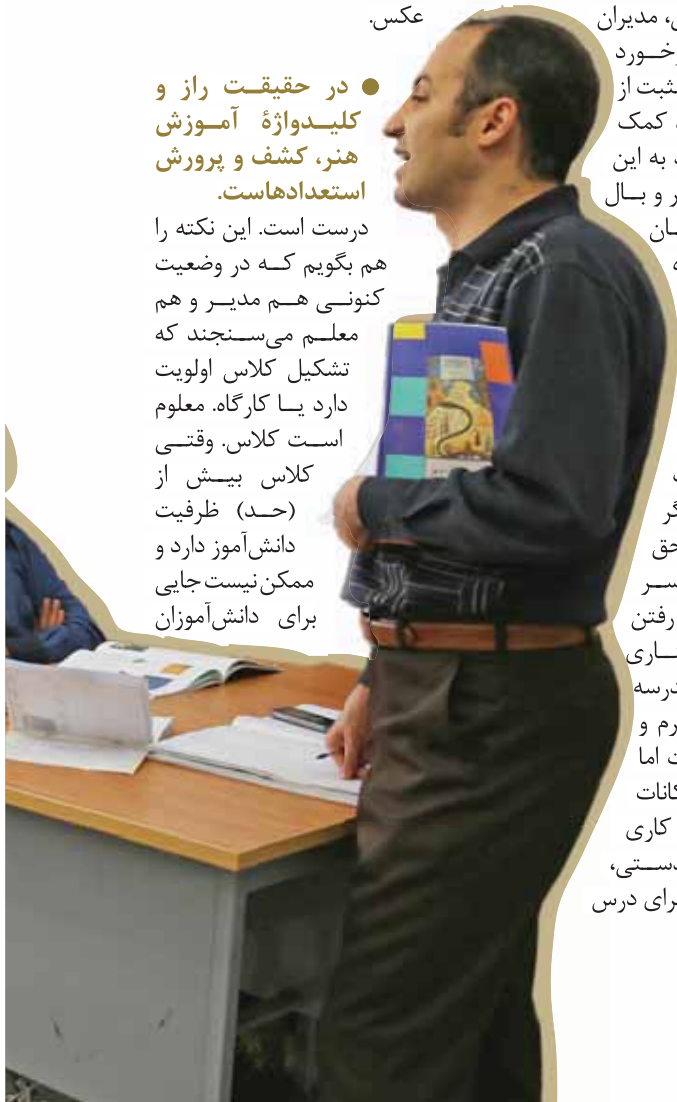
مدارس سلیقه‌ای برخورد می‌کنند؛ اگر ذهنیت مثبت از درس هنر داشته باشند، کمک می‌کنند و تلاش دارند به این درس و آموزش آن پر و بال بدهند ولی اگر دریافتشان منفی باشد، حتی اجازه نمی‌دهند که معلم، بچه‌ها را برای طراحی به حیاط مدرسه ببرد. اگر هنگام درس صدایی بلند شود، فوری تذکر می‌دهند که «مواظب باشید، کلاس‌های دیگر درس دارند.» البته حق هم دارند تذکر بدهند؛ سر و صدا، سبب از بین رفتن تمرکز کلاس‌های کناری می‌شود. مدیر همین مدرسه فیاض‌بخش، فرد محترم و دوستدار همکاری است اما دستش برای تدارک امکانات بسته است و نمی‌تواند کاری بکند. باید مدیران بالادستی، امکانات ایجاد کارگاه را برای درس

هنر فراهم آورند تا مدیر مدرسه آن را ایجاد کند. چرا در ایران نباید ماشین طراحی کنیم؟ چرا باید پیکان هفتاد سال پیش انگلیس و موتور هوندای ۵۰ سال پیش را سوار شویم؟

راه حل این مشکل این است که دانش‌آموزان از این سن و سال نزد معلم هنر با طراحی آشنا شوند، در هنرستان کار طراحی را ادامه بدهند و در دانشگاه طراحی صنعتی بخوانند. آن وقت می‌توانند در ایران خودرو یا سایپا، خودرو ایرانی طراحی کنند. اگر روند درستی طی شود، در آینده خودرو ملی سوار می‌شویم؛ خودرویی که تمام اجزاء آن را ایرانی‌ها ساخته باشند. امروزه دیگر هنر منحصر به هنرهای زیبا نیست، بلکه هنر در رشته‌های بین‌رشته‌ای نیز تأثیر می‌گذارد. من نمی‌خواهم همه بچه‌ها هنرمند بشوند بلکه تلاش می‌کنم اگر دانش‌آموزی چپ دست است، با دست راست طراحی کند تا نیمکره راست مغزش فعال شود و به عکس.

● در حقیقت راز و کلیدواژه آموزش هنر، کشف و پرورش استعدادهاست.

درست است. این نکته را هم بگویم که در وضعیت کنونی هم مدیر و هم معلم می‌سنجند که تشکیل کلاس اولویت دارد یا کارگاه. معلوم است کلاس. وقتی کلاس بیش از (حد) ظرفیت دانش‌آموز دارد و ممکن نیست جایی برای دانش‌آموزان



اضافی پیدا کرد، پس نباید به فکر ایجاد کارگاه بود. این وضع مدرسی است که در آن‌ها تدریس می‌کنم.

● با این کمبود اساسی، به نظر شما تأثیر تربیتی هنر و درس هنر روی دانش‌آموزان چیست؟

من به دلیل داشتن تجربه دو دهه آموزش، قادرم با کمترین امکانات بیشترین تأثیر را روی دانش‌آموز بگذارم؛ برای مثال، خیلی وقت‌ها دنبال سوژه ذهنی برای طراحی هستم که به محیط باز و مدل نیاز نداشته باشد یا برای فعال کردن نیمکره‌های مغز، یک سوژه خیالی می‌دهم تا چپ دست‌ها با دست راست و راست دست‌ها با دست چپ طراحی کنند. از این نوع کارها در حد توان و امکانات انجام داده‌ام. به‌ویژه باید حواسمان باشد که دانش‌آموزان گاه به دلیل محدودیت‌های مالی خانواده نمی‌توانند هر نوع ابزاری را بخرند. چرا می‌گوییم برای خوش‌نویسی ماژیک بیاورند؟ زیرا قلم نی و مرکب گران است یا نوع خوب آن را شاید نتوانند تهیه کنند یا قادر نیستند کاغذ مناسب خوش‌نویسی بخرند. روی هر نوع کاغذی هم نمی‌توان خوش‌نویسی کرد. در حقیقت با عنایت به واقعیات باید برنامه‌ریزی کرد.

● شما درباره کیفیت شدن آموزش

هنر مطالبی فرمودید. اگر نکته یا نکته‌های دیگری برای مقطع متوسطه اول دارید، بیان کنید.

باید کیفیت کتاب درسی هر سال افزایش یابد. لازم است کلاس‌های ضمن خدمت با کیفیت برای معلم‌ها بگذارند.

● تاکنون از این کلاس‌ها گذاشته‌اند؟ گذاشته‌اند ولی این کلاس‌ها باید مفید باشند. گاهی این گونه کلاس‌ها طوری بوده که هم لذت برده‌ام و هم چیزهایی یاد گرفته‌ام. در برخی از این کلاس‌ها هم خودم به همکاران تدریس کرده‌ام. باید نتایج کار معلم‌ها پیگیری شود و معلم‌های نخبه و کارآموده تشویق گردند. تشویق‌ها باید هم مادی و هم معنوی باشند. این کارها سبب افزایش کیفیت آموزش در درس هنر می‌شود.

● آقای مجیدی! من امروز که پای درس شما در کلاس و در جمع دانش‌آموزانتان نشستم، دیدم که مواردی از اشکالات کتاب پایه هفتم از جمله استفاده از زبان غیرقابل فهم برای دانش‌آموزان، نگارش ناهمخوان کلمات، حتی استفاده از مفاهیم و اصطلاحات نادرست را نشان دادید. اگر دوست داشته باشید، در این

باید نتایج کار معلم‌ها پیگیری شود و معلم‌های نخبه و کارآموده تشویق گردند. تشویق‌ها باید هم مادی و هم معنوی باشند

زمینه هم‌نکاتی را یادآوری کنید.

می‌دانید که زبان، جنبه‌های مختلفی مثل معنا، آوا و نحو دارد. این کتاب، نحو (گرامر) دشواری برای بچه‌ها دارد. متأسفانه مؤلفان از واژه‌هایی استفاده کرده‌اند که در حد فهم بچه‌ها نیست. در حضور جناب‌عالی از دانش‌آموزان پرسیدم که به نظر شما «قلندران» در این مصراع شعر «قلندران حقیقت به نیم جو نخرند» چه معنایی دارد و شنیدید که گفتند: هواپیماست، پهلوان است، آدم قد بلند است. البته این کتاب نسبت به کتاب سی سال پیش خیلی بهتر است ولی ویژگی کتاب آموزشی این است که هر سال برای بهبود هرچه بیشتر، همه جنبه‌هایش تغییر کند. در کشورهای پیشرفته هر سال کتاب‌های آموزشی را اصلاح یا تقویت می‌کنند و یا تغییر



باید توجه دانش آموز را به محیط اطراف چنان جلب کنیم که قادر باشد از همه چیز الهام بگیرد

می‌دهند. ما نیز خوب است از این روش استفاده کنیم.

● یکی از ویژگی‌های کتاب‌های آموزشی، توجه به نقش و تأثیر بصری آن در جذب مخاطب برای آموزش است. شما از این زاویه نیز نظر خود را درباره کتاب موجود بفرمایید.

اگر درست و علمی بخواهم صحبت کنم، باید بخش‌ها تفکیک شوند؛ زیرا برخی از بخش‌ها از نظر بصری خوب‌اند. به‌نظر من، بخش طراحی هنرهای تجسمی ایراد دارد؛ یعنی با روح و ذهنیت زنانه طراحی شده و همه‌اش گل است. درست است که طبیعت منبعی برای الهام‌گیری بچه‌ها برای طراحی است اما طبیعت که فقط گل نیست. من که به این بخش کتاب نگاه می‌کنم، به‌نظر من می‌رسد که انگار کتابی درباره زیست‌شناسی گیاهی است نه کتابی برای آموزش هنر. من این کتاب را نقد کرده‌ام. آنجا نوشته‌ام که کسی چشم‌گاو را کشیده و مراحل طراحی آن را نشان داده و در نهایت از روی آن چراغ خودرویی را طراحی کرده است. یا برای طراحی جلو یا دماغه یک خودرو از دنده‌های انسان الهام گرفته‌اند. باید توجه دانش‌آموز را به محیط اطراف چنان جلب کنیم که قادر باشد از همه چیز الهام بگیرد. در محیط اطراف و در طبیعت که فقط گل وجود ندارد!

● برای همکاران محترمان چه توصیه‌ای دارید؟

منی توانم برای همکاران توصیه‌ای داشته باشم. با همکاران که صحبت می‌کنم همه تجربه‌های ارزشمندی دارند. برای استفاده از تجربه‌های یکدیگر، باید عده‌ای جمع شوند و کتابی را تألیف و تدوین کنند تا این تجربه‌ها از دست نرود. چنین کتابی باید به دست نسل بعد برسد و بدین ترتیب، تجربه‌های آموزشی در رشته هنر تکامل یابد. متأسفانه این اتفاق تاکنون نیفتاده است.

● موضوع خوبی را مطرح کردید. به‌نظر شما فصلنامه رشد هنر در این زمینه چگونه می‌تواند کمک کند؟

نمونه کار همین گفت‌وگویی است که ما هم داریم اما برای تحقق آن هدف باید گفت‌وگوها در فرصت مناسب‌تر، منسجم‌تر، دقیق‌تر و پیگیرانه‌تر باشد. برای مثال، باید در هر گفت‌وگو بر بخشی تمرکز کرد؛ یعنی تا مدتی روی بخش تجسمی متمرکز شویم و فقط از تجربه‌های آموزشی معلم‌ها بپرسیم و بعد به بخش‌های دیگر بپردازیم.

● میزان تأثیر هر نوع آموزشی را باید از میزان تأثیر آن روی آموزشگر و آموزش‌گیرنده استنتاج کرد، در این زمینه درباره خودتان و دانش‌آموزان کلاس‌ها پتان بفرمایید.

زندگی من در هر لحظه با هنر مرتبط است. از این رو احساس می‌کنم زندگی پرباری دارم و از زندگی هنری‌ام لذت می‌برم. هرگاه شعری می‌خوانم، فیلمی می‌بینم یا به قطعه‌ای موسیقی گوش می‌سپارم، برایم لذت‌بخش است.

● به‌ویژه در زندگی ماشین‌زده و پرتلاطم امروز، هنر سبب تلطیف زندگی می‌شود.

یکی از لذت‌بخش‌ترین دوران زندگی‌ام زمانی بود که از صبح آماده می‌شدم تا بعد از ظهر به کلاس درس آواز بروم. شاگردانی که هنوز با من ارتباط دارند، آدم‌هایی با روحیه بسیار لطیف، دارای سعه صدر و دید بازند و از خشونت اجتناب می‌ورزند. بها دادن به هنر، سبب دوری جامعه از خشونت می‌شود. این عده از شاگردانم، همچنان خلاق مانده‌اند. در مجموع، برای رفع ضعف خلاقیت در صنعت هم باید آموزش هنر را جدی بگیریم.

● شما درباره محتوای کتاب درسی و بعد بصری آن بر نکته‌هایی تأکید کردید. اگر درباره قطع و اندازه کتاب و طراحی روی جلد هم نظری دارید، با مخاطبان مجله در میان بگذارید.

قطع کتاب درس هنر را مناسب می‌بینم اما برای طراحی باید کاری آگاهانه انجام گیرد. در زمینه طراحی پشت جلد کتاب به دو نکته اشاره می‌کنم: ۱. در آنجا این مصراع را آورده‌اند:



«رنج‌ها برده فراوان هنر آموختم» می‌پرسم مگر فقط با رنج کشیدن باید هنر را یاد بگیریم؟ در کلاس ریاضی، معلم ریاضی می‌گوید: «درس شیرین ریاضی». چرا نباید آموزش هنر را آسان و شیرین کنیم؟

● هر سال یک کتاب هنر دارد. شما درباره کتاب کدام پایه سخن می‌گویید؟

همه حرف‌هایم درباره کتاب هنر پایه هفتم است. ما باید در تمام کارها حتی در طراحی جلد کتاب، مباحث آموزشی را در نظر بگیریم. اگر قرار است از مینیاتور استفاده کنیم، باید از آثاری استفاده شود که همه مکاتب زیبایی‌شناسی آن را پذیرفته‌اند؛

زیرا کتاب

مدارس کتاب آموزشی است؛ آن هم برای دانش‌آموزانی که در آغاز راه یادگیری قرار دارند. نباید با این امر مهم، سلیقه‌ای مواجه شویم. البته باید از مؤلفان و طراحان کتابی که در دست ماست تشکر کنیم؛ زیرا از کتابی که ۳۰ سال پیش تألیف شد و سی سال هم تغییری نکرد، خیلی بهتر است. در عین حال، هیچ کتاب کاملی وجود ندارد و باید با نقد و بررسی و ارائه پیشنهاد و یادآوری نارسایی‌ها، کتابی بهتر از کتاب قبلی تألیف و تدوین شود.

● اگر به شما پیشنهاد شود که برای هنر پایه هفتم کتاب جدیدی تألیف کنید، از کتاب موجود چه مطالبی را حذف، چه مواردی را اصلاح و چه مطالبی را اضافه می‌کنید؟

اولین کارم دعوت از دبیران متخصص و با تجربه آموزشی است.

● به اصطلاح کسانی که گرد و خاک کلاس را خورده‌اند و در میان‌های وهوی دانش‌آموزان، ساعات آموزشی مفید داشته‌اند.

بسی! آن وقت می‌دانیم که باید در درس خوش‌نویسی چه چیزهایی برای چندساعت آموزشی بیاوریم. این گروه از معلم‌های داند که فهم کلمه «استاده» برای دانش‌آموز سخت است؛ چرا باید در خوش‌نویسی از این کلمه‌ها استفاده کنیم؟ تازه من که دبیر ادبیات نیستم، باید برای آموزش خوش‌نویسی از کلمه‌هایی استفاده کرد که دانش‌آموز به راحتی با معنی و مفهوم آن‌ها ارتباط برقرار کند؛ زیرا هر چیزی را بشناسیم زودتر یاد می‌گیریم. در مرحله بعد سعی می‌کردم

باید از مؤلفان و طراحان کتابی که در دست ماست تشکر کنیم؛ زیرا از کتابی که ۳۰ سال پیش تألیف شد و سی سال هم تغییری نکرد، خیلی بهتر است

به‌عنوان مؤلف مرد، روحیه دختران دانش‌آموز را در نظر بگیرم و به‌عنوان مؤلف زن، روحیه پسران دانش‌آموز را هم در کارم لحاظ کنم. گفتم که در طراحی بخش تجسمی کتاب حاضر، به این ضرورت توجه نکرده‌اند و با تأکید بر روحیه زنانه در کتاب آموزشی کنونی، از جاذبه آن برای دانش‌آموزان پسر کاسته‌اند. بنابراین، گروه مؤلفان همکار من در این بعد نیز متعادل عمل خواهند کرد و متعهد به مشورت خواهند بود.

مؤلف یا خوش‌نویس باید هنگام نوشتن کتاب، رسم‌الخط آموزش و پرورش را در نظر بگیرد؛ برای مثال، باید خود را ملزم بداند که «ی» جانشین «ء» را در نوشتن بیاورد و نباید از اصطلاحات بسیار تخصصی بهره بگیرد. «رنج‌ها» را در کتاب فارسی جدا می‌نویسند؛ اینجا هم باید این مورد را رعایت کرد. این حرف خوب و آموزشی را از گذشته‌ها گفته‌اند:

چون که با کودک سروکارت فتاد
پس زبان کودک‌کی باید گشاد

کتاب حال حاضر هنر، از زبان مخاطب بهره‌ای ندارد و بنابراین باید تغییر کند. علاوه بر این، تعداد سرمشق‌ها زیاد است و حتی اگر بتوانیم از ابتدا تا پایان سال مرتب هم درس بدهیم، باز نمی‌رسیم کتاب را تمام کنیم. سطرها نیز باید کوتاه‌تر باشند.

● متشکرم. موفق باشید.

